

Reflection on the Philosophy of the Necessity of the Legitimacy of an Additional Lawsuit with an Islamic Lifestyle Approach

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Maryam Neyshabouri¹

Hadi Azimi Garekani^{2*}

Seyed Mohammad Reza Emam Jazayeri³

How to cite this article

Maryam Neyshabouri, Hadi Azimi Garekani, Seyed Mohammad Reza Emam Jazayeri, Reflection on the Philosophy of the Necessity of the Legitimacy of an Additional Lawsuit with an Islamic Lifestyle Approach, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020:4(2): 183-190.

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law of Islamic Principles, University of Tehran, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Submitting an additional lawsuit can also be filed by one of the parties to the main lawsuit, in compliance with the legal deadline and its width, in spite of conditions such as the relationship between the main and additional lawsuits. In relation to additional litigation in cases brought before a branch, the judge shall attach both cases and examine them in one place by issuing a joint hearing after establishing the connection or unity of origin. In cases where the main and additional litigation is filed in two different branches of a court, it will be considered in the branch designated by the head of the first branch. On a specific topic. According to the Code of Judicial Procedure, the plaintiff can make changes in his initial request; This authority is known in our law as additional litigation. It should be noted that additional litigation, although included in the category of litigation, has been neglected and less considered among jurists. While in the law of other countries such as France and Lebanon, these lawsuits have been given considerable importance, the principles of this lawsuit should be considered as the principle of preventing the issuance of dissenting verdicts and preventing delays in the trial, on the other hand, it seems that additional lawsuits in There is a contradiction with the principle of immutability of the fight. Because according to this principle, when a lawsuit is filed and stabilized, the litigants can no longer make changes in this regard, while the legislator in Article 98 of the new law, has explicitly taken a position contrary to this principle, justice and The Islamic way of life is appropriate for an additional lawsuit to be legitimate because it is also compatible with our jurisprudential and legal principles. In order to achieve judicial justice, the realization of rights, the prevention of delays in litigation, non-payment of additional costs, the prevention of conflicting verdicts and the reduction of incoming cases to the judiciary, additional litigation must be considered by the legislator and its legitimacy must be determined. There is a lot of disagreement among jurists regarding the terms and conditions of this lawsuit, it seems that what should be stated as a collection of views, the additional lawsuit basically needs to be filed, therefore if the lawsuit was filed, the cost The trial must also be paid, but in the meantime, cases such as changing the manner of the lawsuit should be considered separately and not everyone should be treated in the same way.

Keywords: Judicial Justice, Additional Litigation, Islamic Lifestyle

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: garekani1339@yahoo.com

Article History

Received: 2020/06/25

Accepted: 2020/09/10

Published: 2020/09/21

تاملی بر فلسفه ضروری بودن مشروعیت طرح دعوی

اضافی با رویکردی به سبک زندگی اسلامی

مریم نیشابوری^۱

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

هادی عظیمی گرکانی^{۲*}

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

سید محمد رضا امام جزایری^۳

دانشیار، گروه فقه و حقوق مبانی اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

باید به عنوان جمع دیدگاه‌ها بیان داشت، دعوای اضافی اصولاً نیازمند تقدیم دادخواست می‌باشد، بر همین اساس در صورتی که دادخواست تقدیم شد هزینه دادرسی نیز باید پرداخت گردد، البته در این میان باید مواردی مثل تغییر نحوه دعوی را مجزا دانست و همه را به یک صورت رفتار نکرد، باید دانست که علیرغم نظر مخالفی که وجود دارد، برای دعوای اضافی فقط مهلت تا پایان اولین جلسه دادرسی وجود خواهد داشت.

کلمات کلیدی: عدالت قضایی، دعوای اضافی، سبک زندگی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

*نویسنده مسئول: garekani1339@yahoo.com

چکیده

ارائه دعوای اضافی نیز با وجود شرایطی هم چون ارتباط دعوای اصلی و اضافی، طرح آن از سوی یکی از طرفین دعوای اصلی، رعایت مهلت قانونی و هم عرض بودن قابل طرح می‌باشد. در رابطه با طرح دعوای اضافی در مواردی که در یک شعبه مطرح می‌شود، قاضی با صدور رسیدگی توأمان پس از احراز ارتباط یا وحدت منشا، هر دو پرونده را ضمیمه می‌کند و به صورت یک جا تحت بررسی قرار می‌دهد. در مواردی که دعوای اصلی و اضافی در دو شعبه مختلف یک دادگاه مطرح می‌شود، در شعبه ای که توسط رئیس شعبه اول تعیین می‌شود مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که این انتخاب به دلیل سبق ارجاع و یا ناشی از تخصص و تبحر قاضی یک شعبه در یک موضوع خاص می‌باشد. بر اساس قانون آیین دادرسی، خواهان می‌تواند در خواسته اولیه خود تغییراتی اعمال نماید؛ این اختیار در حقوق ما به دعوای اضافی مشهور می‌باشد، باید دانست که دعوای اضافی اگر چه در زمره دعوای طاری قرار می‌گیرد، اما در میان حقوقدانان مغفول مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که در حقوق سایر کشورها مانند فرانسه و لبنان به این دعوا اهمیت قابل توجهی داده اند، مبانی این دعوا را باید اصل جلوگیری از صدور احکام معارض و جلوگیری از اطاله دادرسی دانست، از طرف دیگر به نظر می‌رسد دعوای اضافی در تقابل با اصل تغییر ناپذیری دعوا قرار دارد. زیرا بر اساس این اصل هنگامی که دعوا اقامه شد و ثبات یافت، اصحاب دعوا دیگر نمی‌توانند در این خصوص تغییراتی را اعمال نمایند، در حالی که مقنن در ماده ۹۸ قانون جدید، صریحاً موضعی خلاف این اصل را اتخاذ نموده است، عدالت دینی و سبک زندگی اسلامی مقتضی است که طرح دعوای اضافی مشروع باشد زیرا با مبانی فقهی و حقوقی ما نیز سازگار است. به منظور دسترسی به عدالت قضایی، احقاق حق، جلوگیری از اطاله دادرسی، نپرداختن هزینه‌های بیشتر، جلوگیری از صدور آرای متعارض و کم کردن آمار پرونده‌های ورودی به دادگستری دعوای اضافی باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد و مشروعیت آن منصوص گردد. در خصوص شرایط و احکام این دعوی نیز بین حقوقدانان اختلاف زیادی وجود دارد، به نظر می‌رسد آنچه را که

مقدمه

یکی از دعوای که در آیین دادرسی مدنی معمول است؛ دعوای اضافی است. این دعوا به عنوان مصداقی از دعوای طاری در کنار دعوای متقابل، ورود ثالث، جلب ثالث قرار دارد. قانون گذار برخلاف دیگر دعوای طاری، در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ و قانون آیین دادرسی مدنی دادگاهی عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ که جایگزین آن شده است؛ هیچ مقرر قانونی را به آن اختصاص نداده است. همین موضوع سبب تعارض دو دیدگاه حقوق دانان و رویه قضایی در تبیین احکام و آثار آن با مقوله تغییر دعوا شده است. در این بین در تألیفات اندیشمندان حقوقی نیز کمتر به این موضوع پرداخته شده است. در حال حاضر در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، ذیل عنوان دعوای طاری در ماده ۶۵، دعوای اضافی بدین صورت تعریف شده است:

«دعوای که به موجب آن یک طرف ادعای قبلی خود را تغییر می‌دهد.» از آن جایی که در قانون قدیم و جدید آیین دادرسی مدنی، هیچ گونه تعریفی برای این نوع دعوا ارائه نشده است. به همین دلیل صحت و سقم معنای آن به طور خاص مورد تردید قرار گرفته، به طوری که از یک سو برخی کوشیده اند موضوع ماده ۱۱۷ ق.ج.را با اندک تغییرات و اصلاحات در ماده ۹۸ ق.ج. که عبارت از تغییر دعوا است؛ مصداق دعوای اضافی قرار دهند (۱). از سویی دیگر برخی، گزاره‌های مزبور را از سنخ تغییر در دعوای اقامه شده می‌دانند و بر این باورند؛ دعوای اضافی که خواهان اصلی یا خوانده اقامه می‌کند یک دعوا با ویژگی‌های مخصوص به خود است که از نظر موضوع هیچ ارتباطی با دعوای اصلی نداشته و باید با تقدیم دادخواست برگزار شود. بعضی بدون این که مفهوم این دعوا و ارکان اساسی آن را به روشنی بیان نمایند با تعبیری مبهم از این قبیل: دعوای ضمیمه عبارت است از دعوایی که مدعی در اثنای رسیدگی به دعوای اصلی اقامه می‌کند و آن را به مدعی به، ضمیمه می‌نماید؛ مشروط بر این که مربوط به دعوی اصلی بوده یا با دعوی اصلی از یک منشأ ناشی شده باشد (۲). و یا این که دعوای طاری که از طرف مدعی اقامه شود و دعوای ضمیمه نامیده می‌شود (۳). به

استثنائی بر این اصل دانست. در حقوق بسیاری از کشورها به خواهان دعوی اجازه داده شده که بعد از تقدیم دادخواست و اقامه دعوی، در صورت نیاز مبادرت به تصحیح یا تغییر و تکمیل ادعاهای قبلی و اصلی خود بنماید. در حقوق فرانسه، از این اختیار تحت عنوان دعوی اضافی یاد شده که ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی جدید این کشور آن را به صراحت یکی از دعاوی طاری شناخته است. مواد ۱۲۴ قانون مرافعات مدنی و تجاری مصر و ۱۱۵ قانون اصول محاکمات مدنی اردن و ماده ۳۱ قانون اصول محاکمات مدنی لبنان هم با عنوان دعوی اضافی «الطلبات الاضافیه» چنین اختیاراتی را برای خواهان پیش بینی نموده اند (۶).

اما باید گفت که دعوی اضافی در حقوق ایران ابهامات و ضعف های فراوانی دارد. که نیازمند تحلیل و بررسی است. در این خصوص باید گفت که دعوی اضافی در قانون دادرسی تنها در یک ماده ذیل فصل چهارم این قانون که به جلسات دادرسی اختصاص دارد پرداخته است و از عنوان دعوی اضافی نیز نامی نبرده است.

پیشینه تحقیق

فرزانه و چرخ کوهگرد پژوهشی با عنوان «چگونگی رسیدگی به دعوی اضافی در قوانین جمهوری اسلامی ایران» انجام داده اند (۷). باتوجه به عدم تعریف دعوی اضافی در قانون آیین دادرسی مدنی ایران، حقوق دانان حقوق خصوص تبیین بنای دعوی اضافی، در فضای دکترین و نظریه پردازی، دیدگاه ها و نظرات متفاوتی را بیان داشته اند. برخی دعوی اضافی را ذیل ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی قرار داده و بعضی آن را از جمله مصادیق ماده ۹۸ قانون مزبور قلمداد کرده اند. آن چه در این رابطه شایان عنایت است این که هرچند می توان در مقایسه این دو دیدگاه، نظر نخست را موجه تر دانست، لیکن در این صورت با این ایراد مواجه خواهیم شد که ماده مزبور طواری دادرسی را به طور عام مورد بررسی قرار داده است و دعوی اضافی قسمی از این نوع دعوی است. هرمزی پژوهشی با عنوان «شرایط قابل استماع بودن دعوی در فقه» (شرحی بر بند ۳ و ۵ الی ۱۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی) انجام داده است (۸). با اینکه بندهای ۵ و ۷ الی ۱۱ ماده ۸۴ از فقه اقتباس شده و بند ۷ الی ۱۱ در قانون قدیم آیین دادرسی مدنی وجود نداشته است و در فقه موارد مذکور و موارد دیگری به عنوان شروط قابل استماع بودن مورد مطالعه قرار گرفته، قانون گذار این موارد را تحت عنوان ایرادات و موانع رسیدگی آورده است که عنوان فقهی مشابهی ندارد. به علاوه ضمانت اجرای عدم وجود شرایط قرار رد دعوی پیش بینی شده است. این در حالی است که در صورت عدم وجود شرایط، دعوی غیر قابل استماع می باشد و دادگاه می بایست قرار عدم استماع دعوی صادر نماید که از نظر آثار با قرار رد دعوی متفاوت است. هدف از این مقاله مطالعه شرایط قابل استماع بودن دعوی در فقه، با توجه به قانون آیین دادرسی مدنی و مقایسه آن با حقوق فرانسه می باشد. امامی و همکاران پژوهشی با عنوان «دعوی اضافی» انجام داده اند. در مقررات آیین دادرسی مدنی در خصوص دعوی اضافی بر خلاف دیگر دعاوی طاری (متقابل، جلب ثالث و ورود ثالث) بایی که به احکام و آثار آن پرداخته باشد اختصاص نیافته است (۹). این دعوی

تعریف این دعوا پرداخته اند. بررسی مقررات در زمینه دعاوی طاری و آراء محاکم نشان می دهد که در حال حاضر، به جهت برداشت های مختلف از قوانین مذکور در خصوص موضوعات واحد، رویه های مختلف وجود دارد و این امر موجبات تضییع حقوق اشخاص مراجعه کننده به عدالت خانه و در پی آن نارضایتی و عدم اعتماد به قوه قضائیه و در نتیجه موجبات ترازا نظم و امنیت اجتماعی را موجب می شود. با اصلاح قوانین در موضوع دعاوی طاری بدین نحو که قدرت برداشت های مختلف از قوانین مذکور نباشد و مراجع به سیستم قضایی بداند در خصوص موضوعات واحد به صورت یکسان، محاکم عمل می کنند، این امر موجبات رضایت خاطر مردم و اعتماد به قوانین حقوقی است. شخصی که دعوا را آغاز می کند با عنایت به اینکه دعوا همچون شی متعلق به اوست حق دارد تا پایان اولین جلسه رسیدگی ارکان اساسی دعوا را در غالب تغییر جهت دعوا، کاهش خواسته و افزایش خواسته تکمیل و تصحیح کند. در مقابل علاوه بر تکمیل و تصحیح یا تغییراتی که آغازگر دادرسی می تواند بر دعوا اعمال کند، خواهان نیز می تواند در حین رسیدگی به دعوی اصلی علیه خوانده دعوی را ضمیمه دعوی اصلی کند. اکنون فرض کنیم خواهان می خواهد خواسته جدیدی را با دعوی اصلی همراه کند. پرسش اساسی پیرامون این وضعیت حقوقی از این قرار است، او که قصد دارد خواسته جدیدی را اقامه کند کدام وضعیت حقوقی بر آن حاکم می شود. به اجمال می توان گفت: اگر خواسته جدید دعوی مستقل باشد نیازمند تقدیم دادخواست است. در مقابل، اگر آن را مصداق تغییر دعوا قرار دهیم به صرف درخواست، خواسته افزایش پیدا می کند (۴).

یکی از دعاوی طاری که در حقوق ما کمتر مورد توجه قانون گذار و نویسندگان حقوقی قرار گرفته، دعوی اضافی است. برخلاف سایر دعاوی طاری (دعوی تقابل، جلب و ورد ثالث)، در قانون آیین دادرسی مدنی تنها یک ماده (ماده ۹۸) بدان اختصاص پیدا کرده و در پاره ای از مهم ترین کتاب های آیین دادرسی به ذکر مثالهایی جهت توضیح مصادیق آن اکتفا شده است. بدین جهت، ابهامات و پرسش های بیشتری، در مقایسه با سایر دعاوی طاری، در مورد این دعوی وجود دارد (۱). دعوی اضافی را باید یکی از استثنائات اصل تغییر ناپذیری دعوا در حقوق ایران به شمار آورد. در حقیقت بر پایه اصل تغییر ناپذیری دعوا که به اصل دور از دسترس بودن دعوا نیز شناخته می شود:

ضرورت عدالت در دادرسی، حل و فصل سریع اختلافات و احترام به حق دفاع ایجاب می کند هر لحظه بر محتوا و قلمرو دعوا افزوده نشود و موضوع دعوا آزادانه از ثبات برخوردار باشد؛ بر همین اساس اصولاً طرفین و دادرسان نمی توانند خودسرانه موضوع دعوا را تغییر داده و یا چارچوب آن را کاهش یا افزایش دهند. در واقع، این قاعده که با اصل تسلط طرفین بر قلمرو موضوعی دعوا ارتباط دارد و در رویارویی با این اصل بهتر شناخته می شود. طرفین بر دعوا و موضوعات آن تسلط دارند ولی هنگامی که دعوا ساختار خود را یافت و تثبیت شد این ساختار تا انتهای دادرسی باید حفظ شود. بنابراین ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی که به خواهان تحت شرایطی امکان انجام تغییراتی در دعوی خود را داده است را باید

می شناسد. در معنای خاص یا اصطلاحی، دعوی اضافی مشمول ماده ۱۷ ق.ج می شود و به دعوی گفته می شود که در اثنا رسیدگی به دعوی دیگر به علت ارتباط با آن، از طرف خواهان اقامه می شود و خواسته ای متفاوت از دعوی اصلی داشته باشد و باید به موجب ماده ۴۸ ق.ج در قالب دادخواست اقامه شود (۱۲).

همچنین بر اساس تعریفی دیگر، دعوی اضافی، دعوی است که به موجب آن یکی از طرفین ادعاهای قبلی و اصلی خود را تغییر می دهد.

مشروع بودن دعوی اضافی

یکی از شرایط صحیح بودن دعوی در فقه، مشروع بودن حقی است که برای مطالبه آن اقامه دعوا شده است. زیرا دعوی عبارت است از طلب حقوقی علیه دیگری نزد قاضی است، منظور از حق در دعوی حقوقی است که شرع به آن اعتراف و آن را مورد حمایت قرار داده باشد. فقهای اسلامی گفتند: «مصلحت جامعه در حفظ پنج چیز است:

دین، نسل، نفس، مال و عقل و این با توجه به آنچه شرع مقرر نموده می باشد». در قانون مدنی نیز مشروعیت جهت معامله، یکی از شرایط صحت معاملات است. ماده قانون مدنی نفوذ قراردادهای را مشروط به عدم مخالفت با قانون دانسته است. ماده ۱۰ قانون مدنی، نفوذ قراردادهای را مشروط به عدم مخالفت با قانون دانسته است. ماده ۶۵۴ قانون مدنی نیز دعوی مربوط به تعهدات و معاملاتی را که نامشروع باشند، قابل استفاده ندانسته است. همچنین ماده ۹۷۵ قانون مدنی نیز اجرا گذاردن قراردادهای و قوانین خارجی را مشروط به عدم مخالفت آنها با اخلاق حسنه و نظم عمومی نموده است. می توان گفت مطابق شرع بودن حقوق در نظام حقوقی ایران، جز نظم عمومی است. این شرط، که یکی از شرایط قابل استماع بودن دعوی است، در بند ۸ ماده ۸۴ به عنوان یکی از ایرادات آمده است؛ (...مورد دعوی مشروع نباشد) بدیهی است اگر این بنده در ماده ۸۴ نبود باز هم این شرط به عنوان یکی از شرایط صحیح بودن دعوی پذیرفته شده بود؛ زیرا قانون گذار از نفعی حمایت می کند که مشروع باشد و نفعی که مشروع نباشد، از نظر قانونگذار نفع نیست، تا بتوان برای حصول آن اقدام به اقامه دعوی نمود. البته شاید این سوال مطرح شود که آیا مراد از مشروع بودن همان قانونی بودن است؟ پاسخ به این سوال در کشور ما مثبت است؛ زیرا در کشور ما همه قوانین باید مطابق شرع باشد، پس هر نفعی که مورد حمایت قانون باشد، مورد حمایت شرع نیز هست.

در حقوق فرانسه نیز اقامه دعوا هنگامی امکان پذیر است که شخصی نفع قانونی در پیروزی یا رد کردن ادعای طرف دیگر داشته باشد (۱۳)

ضرورت طرح دعوی اضافی

به منظور در اختیار گرفتن موضوع دعوا نزد دادرس و متداعین، اصل بر تثبیت دعوی اقامه شده است. در مقابل چه ضرورتی سبب می شود قانونگذار این اختیار را به خواهان دهد تا به تبع دعوی

از جهت کلمه ای اضافی دارای دو معنای عام و خاص (اصطلاحی) است. معنای عام آن شامل هرگونه تغییر در ارکان اساسی دعوا، خواسته و یا علت دعوا است که در حقیقت تحت عنوان تغییرات دعوا شناخته می شود. در معنای اصطلاحی به دعوی اطلاق می شود که خواهان خواسته جدیدی را با تقدیم دادخواست به دعوی اصلی نظر به ارتباطی که با آن دارد ضمیمه می کند. نویسندگان در این مقاله مفهوم، ضرورت، شرایط و احکام این دعوا را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده تا در نهایت با نمایاندن نقاط مبهم، متفاوت و مشابه آن با تغییرات دعوا گامی هر چند کوچک بردارند. حسن زاده پژوهشی با عنوان «مهلت اقامه دعوی اضافی» انجام داده است (۱۰). قانون آیین دادرسی مدنی در مواد ۱۳۰، ۱۳۵، و ۱۴۳ مهلت دعوی ورود ثالث، جلب ثالث و متقابل را بیان کرده، ولی درباره مهلت دعوی اضافی، ساکت است. این سکوت باعث تردیدها و احتمالاتی شده است؛ یک احتمال اینکه دعوی اضافی به جلسه نخست دادرسی محدود نیست و تا پیش از اعلام ختم دادرسی، قابل اقاله است. احتمال دیگر اینکه به جلسه نخست دادرسی محدود باشد. نوآوری این تحقیق در این است که ما در این تحقیق به بررسی تاملی بر فلسفه ضروری بودن مشروعیت طرح دعوی اضافی خواهیم پرداخت. موضوعی است که هیچگاه به صورت وسیع و با در نظر گرفتن همه جوانب اختلافی و توافقی آن مورد بررسی قرار نگرفته است. اما تحقیق جنبه نوآوری خود را در واکاوی اشکالات و موانع اجرای دعوی اضافه، راهکارهای رفع موانع آن و حل مشکلات آثار مترتب بر دعوی اضافه و همچنین تشخیص و تعیین مبدأ، ملاک و مبانی دعوی اضافه به دست می آورد. به طور کلی نیز می توان ابتکار تحقیق کنونی را در وجود یک وحدت دیدگاه برای تبیین دعوی اضافی در فقه و نظام حقوقی ایران دانست. در این خصوص باید بگوییم که دعوی اضافی در حقوق ما و اصطلاحات رایج بین دکترین حقوقی چندان شناخته شده نیست. در واقع با توجه به این که قانون آیین دادرسی تنها در ماده ۹۸ و ذیل فصل چهارم که به جلسه دادرسی اختصاص دارد به بیان آن پرداخته، عنوانی نیز برای آن بیان نکرده و در این خصوص تعریفی نیز برای آن نیامده است.

مفهوم دعوی اضافی

همین اساس حقوقدانان نیز اقوال مختلفی دارند. برخی از آن ها در قسمت طواری دادرسی (امور اتفاقی)، برخی در ذیل جلسات دادرسی و برخی نیز در بحث اختیارات خواهان به آن پرداخته اند. دعوی اضافی دارای دو معنای عام و خاص است (۱۱).

اضافی در معنای لغوی و عام عبارت است از افزودن، زیاد کردن، افزودنی، بازخواندن و نسبت دادن کلمه ای به کلمه دیگر برای متمم معنی. بنابراین با اقامه دعوا، نسبت و رابطه ای بین آغازگر دعوا و مسلط علیه (موضوع دعوا) شکل می گیرد که اگر کامل باشد این توانایی اعتباری و مادی را به صاحب حق می دهد که دعوا را دگرگون کند و اگر این پیوند به دلیل نقص در خود آن یا در متعلق آن ناقص باشد؛ وی تنها می تواند چهرهای خاص از این نگار را تکمیل و تصحیح کند. بر همین اساس، مقنن تصحیح و تکمیل را صرفاً در قالب کاهش یا افزایش خواسته و یا علت دعوا به رسمیت

اصلی تثبیت شده، دعوی اضافی را اقامه کند؟ در ادامه دلایل این امر بیان می شود:

۵.۱ تسریع رسیدگی و کاهش هزینه دادرسی

فرآیند کشف حقیقت و فصل واقعی خصومت در دعاوی، به اصول و قواعدی نیاز دارد که در عین سادگی و قابلیت فهم برای عموم غیر متخصص و متخصص، با فراهم آوردن بستر رعایت دقت و به منظور ایجاد تعادل، اختلافات و تنازعات ناشی از دعوا را که بر طرفین و جامعه بار می شود با هزینه و سرعت معقول و متعارف در دادرسی حل کند، به نحوی که میان هزینه ها و سرعت مزایای ناشی از آرای تحویل شده از محاکم، تناسب اصولی ریشه دار دیده شود (۱۴). در صورت طرح دعوی اضافی، این دعوا به همراه دعوی اصلی در یک فرآیند و با هزینه کمتری برای متداعین و دادگاه مورد نظارت و ارزیابی قرار می گیرد و دادگاه حتی الامکان نسبت به هر دو در یک دادنامه انشای رأی می نماید و به تمام کشمکش های طرفین دعوا رسیدگی شده و یکسره به اختلافات آنان فیصله داده می شود. در حالی که اگر به هر دو دعوا به طور مستقل رسیدگی می شد، دادگاه باید برای رسیدگی به هر یک، زمان جداگانه تعیین می کرد این در حالی است که با مطرح نمودن آن به همراه دعوی اصلی تعیین وقت مجزا و جداگانه برای هر یک به علت ارتباطی که با هم دارند وقتی ندارد (۹).

با سکوت قانونگذار درباره احکام دعوی اضافی، بحث ها و تردیدهایی درباره مسائل مربوط به دعوی اضافی وجود دارد. از جمله این مسائل، مهلت اقامه دعوی اضافی است که با وجود تعیین تکلیف زمان اقامه سایر دعاوی طاری در قانون آیین دادرسی مدنی (مواد ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۳) این قانون درباره زمان اقامه دعوی اضافی سکوت کرده است و همین سکوت باعث ایجاد ابهام و تردیدهای قابل بحث شده، این پرسش به گونه جدی مطرح است که آیا دعوی اضافی نیز مانند دعاوی متقابل و جلب ثالث، دارای مهلت خاصی است یا فاقد چنین مهلتی می باشد و تا پایان دادرسی دعوی اصلی، قابل اقامه است؟ با این وصف، دو احتمال درباره زمان اقامه دعوی اضافی قابل بررسی است: احتمال نخست اینکه دعوی اضافی مقید به مهلت خاصی نباشد، بلکه تا پایان دادرسی دعوی اصلی، قابل اقامه باشد؛ دوم اینکه مقید به جلسه نخست دادرسی باشد و مانند دعوی متقابل تا پایان جلسه نخست دادرسی قابل طرح باشد.

پایان دادرسی مرحله بدوی

براساس این احتمال، اقامه دعوی اضافی، محدود به مهلت خاصی، مانند جلسه نخست دادرسی نیست، بلکه تا زمانی که دادگاه در مرحله رسیدگی نخستین ختم دادرسی را اعلام نکرده است، خواهان می تواند دادخواست دعوی اضافی تقدیم کند. تحلیل این احتمال مبتنی است بر اینکه از سویی دلایل مقید نبودن اقامه دعوی اضافی به زمان خاصی در دادرسی، مانند جلسه نخست، بررسی شوند و از سویی دیگر انحصار اقامه دعوی اضافی به مرحله بدوی دادرسی و عدم امکان اقامه آن در مراحل بعدی، مانند وخواهی و تجدیدنظر مورد بررسی قرار گیرد.

مقید نبودن به جلسه نخست دادرسی

مهم ترین دلایلی که بر مقید نبودن مهلت دعوی اضافی به جلسه نخست دادرسی قابل طرح است، عدم تصریح قانونگذار در این باره است و اینکه ماده ۹۸ ق.آ.د.م. دعوی اضافی را در بر نمی گیرد؛ بنابراین مهلت مقرر در آن ماده شامل دعوی اضافی نمی شود (۱۵).

محدود بودن به مرحله بدوی

در تحلیل و استدلال بر احتمال نخست درباره مهلت دعوی اضافی تا اینجا مقید نبودن دعوی اضافی به زمان خاصی در رسیدگی مرحله بدوی، مانند جلسه نخست دادرسی بررسی شد و دلایلی که بر چنین مطلبی قابل ارائه است بیان شد. اکنون لازم است، محدود بودن دعوی اضافی به مرحله بدوی دادرسی دعوی اصلی و عدم امکان اقامه دعوی اضافی در مراحل بعدی مانند وخواهی و تجدیدنظر بررسی شود. در تأیید این مطلب می توان گفت قانونگذار با وجود تصریح به امکان اقامه دعوی ورود ثالث (ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م) و جلب ثالث (ماده ۱۳۵ ق.آ.د.م) در مرحله تجدیدنظر، درباره امکان دعوی اضافی در این مرحله، مانند دعوی متقابل سکوت کرده است و حکمی روشن در قانون یافت نمی شود.

تا پایان جلسه نخست دادرسی

احتمال دوم درباره زمان اقامه دعوی اضافی اینکه قائل شویم مهلت این دعوی نیز، مانند دعوی متقابل تا پایان جلسه نخست دادرسی است. در تأیید این مطلب مواد ۱۳۵، ۹۸، و ۱۴۳ ق.آ.د.م. مورد استناد واقع شده اند. این مطلب علاوه بر کمک به برقراری دادرسی هماهنگ صحیح منظم و با اطلاع کمتر، دربرگیرنده نفع اصحاب دعوا در استفاده از مزایای چنین دادرسی است به ویژه برای خواهان دعوی طاری دارای این مزیت است که صرف نظر از قواعد مربوط به صلاحیت محلی دعوی خود را در دادگاهی مطرح می کند که دعوی اصلی در آن در جریان رسیدگی است و به دعوی او به صورت همزمان و همراه با دعوی اصلی رسیدگی می شود. با وجود این بهترین حالت استفاده از مزایای دعاوی طاری زمانی است که دعوی طاری نیز در مدت زمانی اندک پس از طرح دعوی اصلی اقامه شود در غیر این صورت سبب طولانی شدن رسیدگی به دعوی اصلی می شود و به شدت مزایای آن کاهش می یابد و پشتوانه قوی، توجیه منطقی و عملی خود را از دست می دهد از این رو قانونگذار در مواردی طرح دعوی طاری را مقید به زمان و مهلت خاصی کرده است (مواد ۱۳۵، ۱۳۶ و ۱۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

جلوگیری از صدور آراء، متعارض و اصلاح دعوا

در دعاوی با موضوعات خواه متفاوت یا مشابه، هر قاضی دارای استنباط متفاوتی در ارزیابی موضوعات و دلایل ارائه شده و یا به دست آمده از دیگری است. با طرح دعوی که دارای ارتباط کامل با هم هستند، ممکن است زمینه صدور آراء متعارض و یا متراحم از نظام قضایی که همچون یک مجموعه به هم پیوسته و درهم تنیده است، فراهم گردد. منطق حقوق برای پیشگیری از صدور

ذکر کند (۱۷). قانونگذار با توجه به این حقایق در موارد مختلف قانون آیین دادرسی مدنی (به منظور جلوگیری از صدور آرای متعارض، اجرای صحیح عدالت، رسیدگی بهتر، سریع تر، جامع تر و کم هزینه تر) از اصطلاحاتی استفاده نموده است که باید معنا و مفهوم و آثار این اصطلاحات روشن و مشخص شود تا بتوان در دعاوی متعدد آنها را صحیح به کار برد. قانون گذار به خاطر ارتباط دعاوی طاری با دعاوی اصلی با اتحاد منشاء آنها به منظور جلوگیری از صدور آرای متعارض و صرفه جویی در وقت و هزینه ها و کاهش اطلاع دادرسی (۱۸) مقرر کرده است دعاوی طاری در همان دادگاه طرح شوند که دعاوی اصلی در حال رسیدگی است و رسیدگی به دعاوی اصلی و طاری به طور همزمان و توأم انجام شود.

۵.۳ رعایت حق و عدالت و فیصله دادن به کلیه اختلافات هنگامی که دادرس تنها به یک دعا رسیدگی می کند، صرفاً بر اساس موضوع مطرح شده حق اظهار نظر دارد و نمی تواند بیشتر از خواسته دعا به شناسایی و تصمیم گیری در دعا بپردازد (۱۹). در مقابل هنگامی که دادرس به هر دو دعا با هم توجه می کند، جوانب امر را بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و در ارزیابی خود از موضوع مورد اختلاف با نگاهی عام الشمول و فراگیرتر در جهت کشف حقیقت و فصل خصومت بر می آید. همین امر سبب می شود او در رای خود با دقتی بیشتر از قبل اظهار نظر نماید. بدین خاطر رای او با اصول اخلاقی، عدالت و انصاف سازگاری بیشتری دارد. دعاوی و اختلافات کهنه، هر یک از طرفین را با مشکلات جدیدی مواجه می کند. برای اجتناب از این مسأله، باید این امکان وجود داشته باشد که به کلیه اختلافات مرتبط متداعین در ضمن دادرسی واحدی رسیدگی گردد.

۶. دعاوی اضافی در رویه قضایی دیوان دائمی دادگستری بین المللی دیوان دائمی در همان ابتدای شروع فعالیت خود، حق خواهان در ارائه خواسته جدید یا تعدیل و اصلاح آن در طول دادرسی را پذیرفت اما یک محدودیت خیلی مهم در اجرای آن قائل شد.

شناسایی حق خواهان در تعدیل و اصلاح خواسته یا ارائه دعاوی اضافی

در این بخش از رأی دیوان دو قاعده اعلام و دو نکته مهم تبیین شده است. قاعده اول این است که طرفین دعا در تمام طول دادرسی از حق تعدیل خواسته خود برخوردارند. قاعده دوم این است که تنها شرطی که باید رعایت کنند، حق طرف مقابل در اظهار نظر راجع به تعدیلات صورت گرفته است. اما دو نکته مهم عبارتند از:

۱. تبیین مبنای حق تعدیل و اصلاح خواسته
۲. وجود یک رویه جا افتاده راجع به آن

این دو نکته شایسته توضیح هستند. در خصوص نکته اول باید گفت که طبق این رأی، حق مزبور از تفکیک بین خواسته اولیه و خواسته نهایی نشأت می گیرد. توضیح آنکه طبق اساسنامه و قواعد دیوان، ذکر خواسته فقط در اولین لایحه کتبی طرفین دعا الزامی است (بند ۱ و ۳ ماده ۴۹ قواعد) این در حالی است که اساسنامه در ماده ۴۸ خود به دیوان اجازه می دهد تا نحوه و شکل ارائه خواسته

چنین احکامی این حق را برای خواهان فراهم ساخته تا با طرح دعاوی اضافی زمینه برای آراء همسو و غیرمتناقض مهیا شود. تردیدی نیست که هدف اصلی دادرسی کشف حقیقت و فصل خصومت است و این موضوع با تکرار دعاوی حاصل نخواهد شد. خواهان بعضاً در موقعیتی قرار دارد که از وضعیت حقوقی موضوع دعا به طور کامل مطلع نیست و چون امکان دارد در آینده با دفاعی مواجه شود که دعاوی وی به سرانجام نرسد، به منظور ریشه کن کردن اختلاف و طولانی نشدن روند فصل خصومت این اختیار به وی داده شده است دعا را ترمیم یا خواسته ای جدید به آن الحاق نماید (۱۶). ممکن است ثالث به جای دعاوی ورود ثالث با خواسته متفاوت از دعاوی اصلی، دعاوی خود را به صورت مستقل علیه خواهان دعاوی اصلی اقامه کند

به طور مثال، (الف) دعوی به خواسته خلع بد علیه (ب) به استناد سند رسمی مالکیت اقامه کند و ثالث (ج) نیز دعاوی بطلان سند (الف) را به صورت مستقل اقامه کند بین این دو دعا ارتباط کامل وجود دارد و برای جلوگیری از صدور آرای متعارض باید یکجا مورد رسیدگی قرار گیرند، بنابراین، وقتی شرط «ارتباط کامل بین این دعاوی فراهم است و دادگاه باید یکجا به آنها رسیدگی کند، در دعاوی ورود ثالث که یکی از شرایط آن وجود ارتباط کامل بین دعاوی ورود ثالث و دعاوی اصلی است امکان اقامه دعا با خواسته ای متفاوت، ولی مرتبط وجود دارد نکته مهم دیگر، اعمال ماده ۱۹ ق.آ.د.م توسط وارد ثالث است. ماده ۱۹ ق.آ.د.م که به قرار اناطه اشاره دارد مختص خواهان است. با توجه به این که وارد ثالث اصلی نیز خواهان است سؤال این است که آیا وارد ثالث نیز مشمول این ماده است و اگر اثبات ادعای وارد ثالث منوط به اثبات ادعای دیگری باشد، قرار اناطه برای اقامه دعاوی منوط به برای وارد ثالث صادر می شود؟ باید گفت با توجه به این که وارد ثالث در دعاوی دیگری وارد شده است، نمی توان به خاطر اثبات ادعای وارد ثالث، دعاوی اصلی را متوقف کرد، از قسمت آخر ماده مذکور نیز که بیان می دارد:

«در غیر این صورت قرار رد دعا صادر می شود و خواهان می تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعا کند، می توان استنباط کرد که ماده مذکور ناظر به دعاوی ورود ثالث نیست، زیرا اگر دعاوی خواهان با قرار رد شود، مجدد، می تواند دعاوی سابق را اقامه کند، ولی در فرض عدم اقامه دعا در مهلت مقرر توسط وارد ثالث، رسیدگی به دعاوی اصلی ادامه پیدا کرده و منجر به صدور حکم می شود. اگر ثالث بعد از اثبات ادعا بخواهد از حقوق خود دفاع کند تنها باید این احقاق حق را در چارچوب اعتراض ثالث به حکم صادره در دعاوی اصلی به عمل آورد و امکان اقامه دعاوی مستقل بدون توجه به شرایط اقامه دعاوی ورود شخص ثالث در حقوق ایران و به حکم مربوط به دعاوی اصلی وجود ندارد. در حقوق امریکا، شخص ثالث می تواند برای حمایت از حقوق خود، در دعاوی ورود ثالث ادعا یا دفاع با هر دو را بیان کند. با توجه به بند «ج» قاعده ۲۴ ق.آ.د.م. ف. که تصریح دارد شرایط اقامه دعاوی وارد ثالث مثل شرایط اقامه دعاوی اصلی است، وارد ثالث باید در قسمت مربوط در دادخواست تقدیمی، خواسته دعاوی ورود ثالث را

گردیده است. به نظر می رسد دعوی اضافی دارای دو معنای عام و خاص باشد. در معنای عام با توجه به رابطه و نسبتی که دعوا با خواهان دارد و همچون شیء متعلق به اوست، خواهان می تواند در دعوا دخل و تصرف کند که این امر شامل هر گونه تغییر درخواست، خواسته، کاهش خواسته، افزایش خواسته و جهت دعوا می شود، که بدون هیچ گونه تشریفات خاصی فقط با یک درخواست ساده از دادگاه محقق می گردد. اما در معنای خاص به دعاوی ای گفته می شود که خواهان خواسته جدید و متفاوتی از دعوی اصلی اقامه می کند و ارتباطی کاملی میان خواسته جدید و دعوی اصلی وجود دارد. رسیدگی کامل و نهایی و حل و فصل خصومت ایجاب می کند علیرغم طرح دعوی غلط و نادرست این حق برای خواهان وجود داشته باشد که آن را در یک مهلت متعارف و معقول در صورت لزوم اصلاح و تکمیل کند. پیوند و همبستگی خواسته های متعدد اشخاص واحد که ناشی از یک رابطه حقوقی است به علت تأثیری که برهم می نهد و همچنین به جهت جلوگیری از صدور آراء متناقض و متزاحم باید این اختیار به خواهان داده شود که بتواند تمام خواسته های خود را در یک فرایند دادرسی کند. منابع فقهی اعم از آیات و روایات به طور عام و مطلق موید این ادعاست که باید اساس دادرسی و محور آن، عدالت قضایی، احقاق حق، کم کردن تشریفات غیر ضروری دادرسی، کم کردن هزینه ها و جلوگیری از اطاله دادرسی باشد که سیره معصومین علیه السلام نیز موید این ادعاست. خواهان باید بتواند در کمترین زمان و با کمترین هزینه و به آسانی به حقوق از دست رفته خود برسد که با توجه به پیوند و ارتباطی که با دعوا دارد و از آن به اضافه یا نسبت تعبیر می شود، دعوی خود را بازخوانی کرده یا تغییر دهد. اما نقش متقابل دادرسی و طرفین دعوا اقتضا می کند حتی در صورتی که متداعین علت یا رابطه حقوقی و خواسته خود را توصیف نموده باشند، دادرسی بتواند توصیف خود را جایگزین آن ها نماید، زیرا این که طرفین می توانند سبب یا خواسته را توصیف نمایند، به سبب اصل تعاون و همبستگی متداعین در حوزه احکام است بدون این که دادرسی مأخوذ به آن باشد، زیرا برای تشخیص مفهوم و شناسایی حدود و خصوصیات احکام نیازمند مراجعه به منابع حقوقی و دقت نظر و استدلال است که در صلاحیت عام دادرسی است، زیرا نظام حقوقی بر اساس مفاهیم و قواعد از پیش تعیین شده، مسوولیت حل اختلاف را بر عهده دادرسی قرار داده است. لازمه این اختیار، اختیار مقدماتی دیگری است که در قالب توصیف امور حقوقی مطرح می شود و هرگز قابل تحدید نیست، به شرط اینکه منجر به تغییر مسأله موضوعی یا ماهوی نگردد.

پیشنهاد ها

پیشنهاد می شود، قانونگذار در ماده ای مشخص تکلیف مهلت دعوی اضافی را، مانند سایر دعاوی طاری (متقابل، جلب ثالث و ورود ثالث) معین کند و مهلت چنین دعاوی را با توجه به آنچه در این تحقیق گذشت، مانند دعوی متقابل به گونه ای تا پایان جلسه نخست دادرسی مقرر کند.

نهایی طرفین را تعیین کند. نتیجه آن می شود که طبق خود اسانامه، ذکر خواسته در اولین لایحه کتبی جنبه موقتی دارد. بند ۲ ماده ۶۰ قواعد مؤید این تفسیر است. بر اساس این ماده، طرفین باید خواسته های نهایی خود را در پایان جلسه شفاهی دادرسی ابراز کنند. بنابراین دیوان در رأی خود، ادعاهای ارائه شده در پایان جلسه دادرسی را مد نظر قرار می دهد نه ادعاهایی که در لایحه اولیه کتبی ذکر شده اند. نتیجه این می شود که در طول این مدت، یعنی از زمان ارائه لایحه اولیه تا اعلام خواسته های نهایی، خواهان حق دارد خواسته اولیه خود را تغییر دهد یا اصلاح کند. اصلاح خواسته و دعوی اضافی در رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری

قضیه توضیح رهیافت دیوان در احمدو دیال و راجع به قابلیت پذیرش دعوی اضافی یا تعدیل و اصلاح خواسته در واقع توضیح رهیافت کلی و عام دیوان راجع به این مسئله است چرا که این قضیه روشن ترین نمونه اعمال این رهیافت است که در مقایسه با رهیافت دیوان دائمی مضیق بوده و نتیجه اجرای آن تحدید قابل ملاحظه حق خواهان در توسعه دعوی اولیه است (۲۰).

عدالت قضایی و سبک زندگی اسلامی

مبانی فقهی اعم از آیات و روایات ما را به عدالت و سبک زندگی اسلامی دعوت می کند به گونه ای که در چنین فضایی، میزان جرم و جنایت در جامعه تقلیل می یابد و صاحبان حق به حقوق از دست رفته خود می رسند. هر چند پذیرش دعوی اضافی در این دادرسی مدنی منصوص نیست ولی به دلیل دست یابی به عدالت، محاکم کم و بیش آن را می پذیرند ولی قانونگذار از جعل یک مقرر قانونی در مورد آن غفلت کرده است. هر چه تشریفات غیر ضروری دادرسی کمتر شود مال باختگان زودتر به حق خود دست یابی پیدا می کنند و سیره معصومین علیهم السلام نیز موید این ادعاست. مقررات قانونی باید جهت دار به نفع طلبکاران باشد و ابزار و وسایل به منظور دست یابی به این مهم تسهیل یابد. زندگی مسلمانان باید نمونه ای تنزل یافته از زندگی پیشوایان دینی آنها باشد و تبعیت از آن آنها سرلوحه زندگی آنها باشد. هر چه از منابع دینی فاصله گرفته شود معیشت مسلمانان با چالش های جدی مواجه می شود که گریزی از آنها نیست. تمدن و صنعت و تکنولوژی که دست آورد تلاش های بشری است علی رغم محاسن و امتیازاتی را که با خود به همراه دارد بشر را از معرفت خدا و نفس شناسی دور کرده و این، اولین گام در راه بی عدالتی است. زندگی اسلامی مصادیق فراوانی دارد که آنچه در این گفتار مد نظر ما است همان دسترسی زوتر و کم هزینه تر صاحبان حق به حق خوشان است.

نتیجه گیری

دعوی اضافی در کنار دیگر دعاوی طاری همچون متقابل، ورود ثالث و جلب ثالث قرار می گیرد. قانونگذار برخلاف انواع دیگر دعاوی طاری در مقررات آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مبحثی را به آن اختصاص نداده است. همین امر سبب بروز تردید در نزد حقوق دانان در مورد مفهوم و تفاوت آن با تغییر دعوا

References

1. Matin Daftari, Ahmad, (2010), Civil and Commercial Procedure, Volume One, Tehran, Majd Publishing, Third Edition, p. 434.
2. Boroujerdi Abdo, Mohammad, (2003), Judicial Principles - Rights Extracted from the Rulings of the Supreme Court, Part II - Roham Publications, First Edition, pp. 57-58.
3. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar, 1999, Extensive in Legal Terminology, Volume 3, First Edition, Tehran, Ganj Library Publishing, First Edition, p. 2128
4. Emami, Mohammad, Daryani, Reza, Karbalaee Aghazadeh, (2013), Additional litigation, Journal of Legal Studies, Shiraz University, Volume 5, Number 3. Page 2
5. Hassanzadeh, Mehdi, (2011), Deadline for filing additional lawsuits, Islamic Law, 8th year, No. 29. p.2
6. Moloudi, Mohammad, (2002), Additional litigation, Journal of the Faculty of Law and Political Science, No. 58. p.2.
7. Farzaneh, Abdolhamid, Charkhi Koohgard, Kouros, (1397), How to handle additional lawsuits in the laws of the Islamic Republic of Iran, the second national conference on modern research in management and law.
8. Hormozi, Khalilullah, (2015), The conditions for a lawsuit to be heard in jurisprudence (explanation of paragraphs 3 and 5 to 11 of Article 84 of the Code of Civil Procedure), Private Law Research, Volume 4, Number 13.
9. Emami, Mohammad, Daryani, Reza, Karbalaee Aghazadeh, (2013), Additional litigation, Journal of Legal Studies, Shiraz University, Volume 5, Number 3.
10. Hassanzadeh, Mehdi, (2011), Deadline for filing additional lawsuits, Islamic Law, 8th year, No. 29.
11. Karimi, Abbas, (2007), Civil Procedure, Tehran, Majd Publishing, First Edition, p.21.
12. Sadrzadeh Afshar, Mohsen, (2001), Civil and Commercial Procedure, Tehran, Allameh Tabatabai University Jihad Publications, sixth edition, pp. 346 and p. 5.
13. art 31: l action est ouverte à tous ceux qui ont un intérêt légitime au succès ou au rejet d'une prétention.
14. Mohseni, Hassan, (2010), Civil Procedure Office, Tehran, Anteshar Co., p.301.
15. Hassanzadeh, Mehdi, (2011), Deadline for filing additional lawsuits, Islamic law, eighth year, number 29. p.2.
16. Emami, Mohammad, Daryani, Reza, Karbalaee Aghazadeh, (2013), Additional litigation, Journal of Legal Studies, Shiraz University, Volume 5, Number 3. Page 2.
17. Ahmadi, Mohammad Sadegh, (1998), Limitations of the principle of the rule of will, Kanoon Magazine, forty-second year, No. 9, p. 29.
18. Ghahremani, Nasrollah, (2011), Difficult Issues of Civil Procedure, Volume One, Tehran, Publications, Second Edition, p.12.
19. Mohseni, Hassan, (2010), Civil Procedure Office, Tehran, Anteshar Co., p.152.
20. Azari, Hadi, (2013), Additional lawsuits before the International Court of Justice in the light of the verdict of Ahmad Sadio Diallo, International, Journal of the Presidential Center for International Legal Affairs, Year 30, No. 48.